

دیدگاه انتقادی آمارتیانس نسبت به جدایی اقتصاد مدرن از اخلاق



سید حسین امامی

از زمانی که انسان خلق شد، حتی آن زمان که فقط دو نروری کره زمین زندگی می کردند، انسان نسبت به سایر امور بیرونی احساس نیاز داشت. در برخورد، بود (توجه به اینکه علم اقتصاد با مبنای اقتصاد امروز مدون نظر نبود) بدینچ که جمعیت انسان ها رو به فزونی گذاشت و زندگی اجتماعی شکل گرفت، اقتصاد مورد توجه بیشتری قرار گرفت و هر روز بر اهمیت آن افزای می شد به طوری که در طول قرون وسطا، فلسفه سیاسی جان لاک پایه فقه اقتصادی وارد و به قول جیمز مایس، معاصر انسان جدید، انسان اقتصادی است در حالی که انسان قدیم، انسان سیاسی بود.

مادل انگلیسی کلمه اقتصاد (که خود کلمه اقتصاد در ادبیات ما واهای ایرانی عربی است به معنای میانه روی و بیسی اندازی کردن) Economy که از ریشه یونانی Oikos به معنی خانه و Nemim به معنی تمیز گرفته شده است. اقتصاددانی است اجتماعی که طرز استفاده و تخصیص منابع موجود را از بین شیوه های استفاده ممکن، تحلیل می کند.

اگر خواسته های انسانی خیلی کم و محدود باشد یا منابع ما مقرر زیاد بودند که به هر کسی، هر چه می خواست تعلق می گرفت، آنگاه اقتصاد اهمیت چندانی نداشت و ما مشکل اقتصادی نداشتیم، اما واقعیت این بود که با موارد گفته شده تفاوت ناخوش و عظیمی دارد زیرا یکی به امید در همه جوامع، منابع اقتصادی در مقایسه با خواسته های نامحدود خیلی کم و ناچیز و اقتصادی های آزاد و به قول جیمز بارز و متد و هتسنلد، اول آن که مجموعا در طول زمان نامحدود بوده و نامتناهی هستند.

علم منابع تولیدی جداگانه منابع، همان رنگان - منابع فرایابی که می توان از آنها به طور محالی و بدون پرداخت هزینه استفاده کرد - بودند. در صورت چون حدی برای تعیین آستانه خواسته های بسیار انسانی وجود ندارد، بالطبع هیچ گونه سرمایه گذاری نیز به وجود نمی آید و انسان می توانست فقط زندگی خود را برای تهنیت آباد بود.

علم اقتصاد پیش از آنکه فلسفه برای برخورد را فریاض باشد، استوار شده مرمتی عالی است. اقتصاد امروز دیگر به فریاض ناشی دانشمندان قرن نوزدهم اعتماد ندارد و برعکس به محاسبات پیچیده و طولانی و تفکر عمیق می پردازد. اقتصاد برای چون طب یا مهندسی، قواعد سخت و خشکی دارد، تکرار نمی شود و وضع فریاضی می ایجاد. آن فریاض استباهات تجربی آزموه می شوند و هر جا که لازم باشد، اندازه گیری علمی دقیق به عمل می آید. نتایج یا فریاض سازگار نشانه، تفکر عمیق تر و لازم است. فریاض نتایج علمی ساخته می شوند، یعنی روش اقتصاد هیچ غایبی را پوشن های دیگر علم نداد.

علم اقتصاد به معنای آن است که مردم چه چیز را باید بخواهند؟ آنچه تولید، بلکه علم اقتصاد این است که مردم چه چیز را برآستی می خواهند؟ بسیاری از روش های اقتصاددانان حرفه ای در نوشته ها و ضمیمه های هدف های مناسب برای فعالیت های اقتصادی اشاره دارند. این نوشته ها برای رد زمره اقتصادی دانسته، نه آنچه به معنی دقیق کلمه علم اقتصاد، خوانده می شود. سزارینا برین می گوید: «اقتصاد از زمانی که با مقدار زیادی از فریاض سافریزکی مخلوط بود، بخشی از فلسفه بود، ولی به تدریج خود مستقلی شده یا علم کم می شود، اقتصاد فلسفه به دل فلسفه سیاسی با رشد خودگاهی عقلی ناشی از انقلاب علمی قرن نوزدهم تکامل یافت. در واقع می توان گفت که اقتصاد دارای روشی است که هر دو نیز با سیاست را ارتباط بودند. یکی از آن روش ها به عنوان دانش نظر داشته و دیگری می توان مرتبط با مهندسی دانست. سنت مرتبط با اخلاق موضوع کم بود، به واسطه ی رسد، اسرارهای اخلاق نیکومخاسی، اقتصاد با اقتصاد این بارها به ارتباط با تئوری مرتبط با فعالیت های انسان می آید. او سیاست و اخلاق علوم می آید. علم اقتصاد به دلیل علوم مابعدالطبیته اقتصادی است که در این مورد نیز به دلیل ارتباط با این علم می آید. علم اقتصاد با این روش های جدید و تکنیک های نوین برگیرنده علم است. علم اقتصاد به معنی متضمن مباحث بشر است. با یک تحقیق در مباحث و اثرات و ثروت ملل، آدم آسمیت، اقتصاد سیاسی به عنوان یک رشته علمی مستقل مطرح شد. باید توجه داشته

کمک کرده بودند، همچون مطالعات سر ویلیام پیتر در قرن نوزدهم که بحث پایدار او پریشانش علم اقتصاد بدون دانست. اقتصاد ویون آشکارا مطالعات آریستوتلی بود که با عاقل خودی یعنی علوم طبیعی و مکتبکی نیز تزیینات بود.

در نوشته های اقتصاددانان بزرگ می توان هر دو دیدگاه منشأ اخلاقی و منشأ مهندسی اقتصاد را کنار هم هر چند به نسبت متفاوت نگاهن مشاهده کرد. روشن است که برخی مسائل اخلاقی بیشتر از دیگران توجه دارند. برای نمونه در نوشته های آدم آسمیت، جان استوارت میل، کارل مارکس، فرانتسیس اجورت، جیمز جایی مسائل اخلاقی بیشتر دیده می شود در آثار کلمو و ویلیام بینی، فرانسوا کنه، دیوید ریکاردو، آگوستین کورو و لئون والراس، و بیشتر در نظر مسائل ژئستیک و مهندسی درون علم اقتصاد بودند.

سیاسی کسانید که رویکرد اخلاقی را بر گرفته اند کسانی که از اسطو گرفته تا آدم آسمیت، با وجود تمرکز بر جنبه اخلاقی موضوع، به طور جدی گزاران جوان منفی مسأله نیز بودند. اما اقتصاد جدید به طور عمده به مثابه یکی از شاخه های اخلاقی با رفت، نه فقط آدم آسمیت - بدر علم اقتصاد - استناد فلسفه اخلاق در دانشگاه گلاستوک بود، بلکه رشته اقتصادی برای مدت های مدیدی، شبیه ای از اخلاق محسوب می شد. این امر که اقتصاد در دانشگاه ها همین اواخر از درس های اصلی کارشناسی به درشت علوم اخلاقی بود، نمونه دیگری است از تکرار سنتی به مباحث اقتصادی به طور معمول در این حیطه که به اجابت جنبه ای خاص از تمدن انسانی تأکید می کند. این که مردم چگونه رفتار می کنند و این تولید، توزیع و تبادل کالاها و خدمات و به کار می گیرند، تا به نهایت به مصرف برسانند. اقتصاددانان می دانند که جنبه های دیگری نیز وجود دارد که در حیات اجتماعی تأثیر بسیار دارند. امور همچون سیاست، حقوق قانون و تعلیم و تربیت و ازدواج این، ممولو چنین فرض می کنند که این تأثیرات همهگفتگی بسیار است، پس در تحلیل رفتارهای اقتصادی نباید نقش برایشان را نظر گرفت. اقتصاددانان با این تکرار قلمرویی مطالعات خود را محدود می کنند تا آنچه را که باید دانش اقتصاد باشد، به پیش بریند، اما در حین حال آنان روابط بین اقتصاد جنبه های دیگر حیات اجتماعی را بیش از اندازه می دانند. هم اقتصاددانان کلاسیک و هم کارل مارکس، اقتصاد را شاهده حیات اجتماعی بشر می دانستند و هم اکنون ادعای این مطلب بر همگان مشهود و محسوس است و جای شکی باقی نیست.

ای اقتصاد مدرن به سنت وفادار بوده و پیوند ضروری و مهم خود را با اخلاق حفظ کرده و از آن جدا شده و اگر چنین اتفاقی افتاده، جدایی و دورافتادگی اخلاقی و اقتصاد چه نتایجی داشته است؟

پروفیسور آمارتیا کومارسن، معروف به آمارتیانس - فیلسوف و اقتصاددان هندی نیز انگلستان - در سال ۱۹۳۳ میلادی در ایالت بنگال هندوستان به دنیا آمد. او در سال ۱۹۵۱ در دانشگاه کلکته مدرک کارشناسی اقتصاد گرفت و در سال های ۱۹۵۵ و ۱۹۵۹ مدرک کارشناسی ارشد و دکتری خود را در دانشگاه کمبریج انگلستان دریافت کرد. او استاد اقتصاد دانشگاه کمبریج است که به واسطه تحقیقات گسترده و عمیق در رشته اقتصاد رفاه و در تعیین روش و برخورد عالمانه و نفاذ آن به پدیده های فقر نابرابری و حیطی و منابع شگفت انگیزو چالش نوجه، در سال ۱۹۹۸ از سوی آکادمی علوم سوئد منقخر به دریافت جایزه نوبل اقتصاد شد. او تنها آسیایی است که جایزه نوبل اقتصاد دریافت کرد. این اهمیت وقتی بیشتر مورد که بدینامی از ۶۱ نفری که تاکنون موفق به دریافت جایزه نوبل شدند، عدد ۴۱ نفر آنها آمریکایی است.

او مدعی است اقتصاد مدرن فاسده ای جدی با اخلاق گرفته که موجب تضعیف علم اقتصاد شده است. حقیقت این است که بخش از اقتصاد مدرن به اخلاق توجه کرده، دستاویزها به برداشت های رسیده که بدست است. برای نمونه فرض رفتار عقلانی انسان اقتصادی را با رفتار اخلاقی نمی یکی گرفته است. با تحول اقتصاد مدرن، اهمیت رویکرد اخلاقی کم تر شده، به طوری که اقتصاد مدرن گسستگی الیگال باخلاق دارد. روش شناسی آنچه که اقتصاد مثبت نامیده می شود هم تحلیل منجزاری در اقتصاد دوری جنبه و باعنت نامیده انگاشته شدن بسیاری

نهایی و پریش اخلاقی. در این رویکرد، غایت با نسبتاً بدون ایهام و نهایی به مطالعه اخلاق و سیاست خلاصه می شود. نقطه نظری که اسطو ماسکریا برایش در آن تلمیح کرد، از سیاست انسان در اخلاق نخستین منشأ از میان دو اقتصاد است که به اخلاق و دیدگاهی اخلاقی با سیاست مرتبط می شود، به غایت های نهایی و پریش برای این نوع که چه چیز موجب سعادت بشر است و آیا اینکه چگونه باید زندگی کرد و چه دارد.

شاید دیگر علم اقتصاد در رویکرد مهندسی مرتبط است. ویژگی این رویکرد آن است که بیشتر به مسائل ژئستیک توجه دارد تا به غایت های

کوشور فراهم شد. در آغاز مطالعات مربوط به برنامۀ چهارم بود که مقام معظم رهبری تذکر دادند و دولت را موظف کردند که باید چشم اندازی را ترسیم کنند که در آن حداقل ۲۰ برنامه توسعه مهم و رسوب جهت در یک راستا باشد. این تذکر به کل مطالعه و کاری که دولت انجام داد منجر شد و کار دولت برای مقام معظم رهبری ارسال شد و ایشان برای بررسی بیشتر این کار را در آن مجمع تشخیص مصلحت نظام ارجاع دادند و بحث چشم انداز ۲۰ ساله کاملاً روال جدی و قانونی به خود گرفت و در یک مسیر مشخص به تصویب رسید. به این شکل که در اول وقت به رهبری از رهبری به و مجمع و در مجمع رد کمسیون های مختلف مسیر طی شد و در صحن مجمع سند چشم انداز با تغییراتی تأیید و تصویب شد و برای ابلاغ خدمت مقام مسئول جمهوری در حد شده و سند چشم رهبری هم یک تغییرات محدودی در این مقام وجود آوردند که در واقع عبارت ایشان که اضافه کردند یک دور ردی در تکالیف این سند ۲ صفحه ای میموند و بعد ابلاغ شد.

انتظار این بود که در صورت جدی به این سند پرداخته شود چون در کشور قانون اساسی دامنشیم که یک برنامه و اهداف چشم انداز منتهی بدون قید زمان و معلوم نیست در هر چه ای از زمان به اهداف قانون اساسی قابل تحقق باشد و از طرفی سیاست های کلی در هم ساز و کارش فراهم شد و سیاست کلی تدوین شد و بعد از سیاست کلی برنامه های توسعه را دامنشیم اهدافی که در قانون اساسی تصویب شده بود بسیار کامل و بلند بود و غیر زمانمند، لذا نیاز بود که یک برش زمانبندی از قانون اساسی را باید می داشتند و همین دلیل مهم بحث چشم انداز جاری خود را پیدا کرد. چشم انداز برش بیست ساله از قانون اساسی است. در واقع با تدوین سند چشم انداز ارتباط منطقی بین آرمانهای قانون اساسی، سیاست های کلی و بعد برنامۀ های توسعه فراهم شد. بنابراین چشم انداز دامنشیم اما به این شکلی که بیشتر به مسائل ژئستیک توجه دارد تا به غایت های

از مطالعات پیچیده اخلاقی نیز شده است، که رفتار واقعی انسان را بحق قرار می دهد، ولی اقتصاددانانی که مشغول مطالعه در مورد این قبیل رفتارها هستند، این ملاحظات را بیشتر مربوط به امور واقع می دانند اما مربوط به احکام منجزاری، هر گاه کلی، و هر یک از این دو رویکرد در اقتصاد منتهی شده مدرن اشغال می کنند، هم مقایسه کنیم، به روشنی می توان مشاهده کرد که هم از تحلیل جنبه های پذیرفته شده و هم بیشتر ملاحظات اخلاقی در توصیف رفتار انسان نامیده انگاشته شده است.

اقتصاد مدرن به دلیل فاسده ای که میان آن اخلاق و وجود آمده، تضعیف شده است. علم اقتصاد بدین ترتیب که شکل گرفته، با بدل شدن اخلاق و رعایت سر صریح و بیشتر به ملاحظات اخلاقی که رفتار و بوری انسانی را شکل می دهند، می تواند نمریشش برآید.

تکرشی که انسان معاصر در الگوهای اقتصادی این، خاص، ساده و واقع بینانه ننگه می دارد و آنها را اجزایهای از قبیل جنبه نیت یا عواطف اخلاقی در هم نمی آمیزد. واقعیت اوست، از سیاست اقتصادی باید با مردم واقعی سرو کار داشته باشد. آیا انسان جدید که موضوع مطالعات اقتصادی است می تواند یکسره از این پرسش سرفرازی چگونه باید زندگی کرد؟، بر کار بمانند.

تاکید بر پیوند میان مسأله انسانی و این پرسش مهم اخلاقی که انسان چگونه باید زندگی کند؟ بدین معنی نیست که انسان ها موهوبه را کاری را می کنند که در لحاظ اخلاقی مدعی آنند، بلکه فقط به معنی پذیرفتن این امر است که از امانات اخلاقی ممکن است پاسداری در رفتار واقعی انسان داشته باشند. اصولاً این فرض حاکم تر کن این نوع اخلاقی به عنوان امری برای توصیف رفتار واقعی، فرض خوبی ساخته آیه الیچیه است. اینک اقتصادی نامیده می شود و گویا مدعی در دفاع از خواسته خود است. نزدیک ترین تقریری است که می توان برای رفتار افراد، شرح دست کم در مسائل اقتصادی ارائه کرد؟

این فرض کلاسیک علم اقتصاد است، به همین دلیل نیز حایمانان این فرض، این دیدگاه های بسیار متفاوتی با آن ملاحظه شده، و سایر نظریه های بدیل (گوناگونی را پیشنهاد کرده اند. برای نمونه در مورد این فرض می توان یک تئوری بر توشاه تجربی جیمز حد که بر مخرج از اخلاق رفتاری معطوف، به بحث شخصی، به نفع ای تکلیف وفاداری و حسن نیت، صحبت استوار در موفقیت ضمنی آن ایفا کرد است. حایمانی که در موفقیت رفتار معطوف به نفع شخصی، برای خود در آثار آدم آسمیت جست و جوی می کنند، باید سوءتفهمی دست زاین که طرز پیچیده آسمیت با موضوع انگیزه و نقش بازار شده و دیدگاه انگاشتن تحلیل اخلاقی وی از عواطف و رفتارها، سایر قسمت های آثار آدم آسمیت در مورد اقتصاد جامعه، که به مشاهدات بیرونی بینوایی، احساس سمدردی و نقش ملاحظات اخلاقی در رفتار انسان، بویژه به کاریگری منجزاری رفتاری مربوط می شود، آرام آورده و همان میزان از اقتصاد در مد افتادند، فراموش شدند. فراتر از آن نتیجه جدایی اقتصاد از اخلاق است، هم اقتصاد رفاه، از بحث رفتار قرار داده و هم اقتصاد تجویزی و پیش بین را جدایی میان اقتصاد اخلاقی و اخلاق ناکوار بوده است. اگر اسطو پریشش مربوط به نقش اخلاقی را پیش می کشید، در آغاز به این علت بود که چشم انداز وسیع تری را به روی اخلاق و سیاست بکشاید. در واقع فراغ از نقشی که اقتصاد در فهم تری به مباحث برخی پرسش های اخلاقی می تواند ایفا کند، بر این نکته نیز شناختی نیز تأکید کرد که برخی تحلیل های که در اقتصاد در بر مبرور با مسائل ژئستیک متقابل به یک روش، ممکن است که بر پیوند میان پیچیده اخلاقی اقتصادی، حقیقتی سزاد انجام دهند.

- ۱- سزارینا، آمارتیا، اقتصاد، حقیقت، شرشر، زار، چاپ، ۱۳۷۷
- ۲- نرین، ژان، موسی، جامعه علمی، طرز، چاپ، بیوم، ۱۳۷۸
- ۳- مگی، براین، مریان، هشتاد، عزت الله فولادین، چاپ، اول، ۱۳۴۴
- ۴- پیچ، تی، جیمز، پیچ، تی، و مکتب معاصر تولیدی، میرتظام، سعادی، علامه طباطبائی، ۱۳۷۵

می توانست مانع تحقق اهداف سند چشم انداز شود و با توجه به اهداف ذکر شده در سند چشم انداز ما چه راهکارهایی را می توانیم در مقابل ناتوی فرهنگی داشته باشیم؟

دلیل تعیین مقام معظم رهبری به ناتوی فرهنگی این است که دشمن در جهت اهداف فرهنگی فشارهای خود را بیش از گذشته افزایش داده است. در این مسیر سازمان های بین المللی کرده و تمام توانش را در جهت مقابله با فرهنگ، از رشن ها و تمدن تجدید حیات شده اسلامی در کار می آفرای اسلام جهانی ابرن حرقه آن زده شده به کار گرفته است. دشمن برای مقابله با این پدیده تمام توان بین المللی خود را به کار برده، یک نوع برنامه ریزی بین المللی کرده. دلیل این که تغییر به ناتوی فرهنگی شده این است.

واقع معجزان که در عرصه نظامی مقدورانشان را فرسانده می کنند تا به اهدافشان برسند، در عرصه فرهنگ هم چنین مسیری را پیش می کنند. اما این که برای مقابله با آن باید چه کار کنیم؟ اگر اهداف فرهنگی سند چشم انداز را پیاده کنیم، مقدم موفق خواهیم بود. در سند چشم انداز مشیل قانون اساسی، اصولاً نگاه فرهنگی، استخوانبندی فرهنگی و سیاست های فرهنگ حکم است. با تصمیم کاملاً فرهنگی از صدر تا ذیل قانون اساسی و در سند چشم انداز ما وجود دارد. به طور مشخص در اهداف اعلام شده در سند چشم انداز تفهانی اسلامی دقیقاً ذکر شده است و اگر ما بر همان هدف تأکید کنیم و ساز و کارهای حفظ این هویت را فراهم کنیم، قطعاً نه تنها ناتوی فرهنگی دشمن، بلکه هر تدبیر دیگری نیز بکیرت، ناکام خواهد بود. از این جهت باید که از شیوه فرهنگی خالی و دور تک ناکام می شود. برای همین در این گفته که ایران در افرق ۱۴۲۰، کمونی است توسعه یافتگی با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری، بعد از جهان با گفته شده که این توسعه یافتگی با حفظ همان با تقویت هویت انقلابی اسلامی است. یعنی تحول در هویت که توسعه یافتگی و تغییرات و عده ای در کشور ما هستند که چشم انداز لازم توسعه یافتگی بیوسنتس به یک جریان جهانی است. نظر شما درباره این نظر چیست؟

دبیر علمی همایش ملی سند چشم انداز:

تمام ظرفیت های نظام باید بسیج شود

طی کند و در جایی تهیه و ابلاغ شود و مکتوب شود نبود. همین دلیل می خواهم بگویم که این بخش از کار کرد چشم انداز موفق بود. همین عین که رهبری توانسته است تا حدودی وضعیت و ۲۰ ساله آینده را ترسیم کند، به دلها و افکار ما به آن معطوف کند. بنابراین صرف نظر از نگاه دستگانه ها، دستگاره ها این موضوع پرداختن همین که نگاه چشم انداز به جای اینکه به حوادث نزدیک و دشمنان به مسائل افراشان باشد، به یک افق بلند و دور دستم قرار گرفت این خودش یک پیشرفت بزرگی که مردم کشورها است. همین هم دستگانه ها، مدبران، استبدادها هم نگاهشان به افق بلند دنیا و دورتر و فراتر از این مسائل روزمره ای و دم دست بود و یک پیشرفت است برای کشور که در حال طی کردن مسیر ترقی است. همین که نگاه چشم انداز را از نگاه نزدیک بینی به نگاه های دور و افق های دور و کوشش به ابعاد مختلف فراتر ببینند این خودش یک پیشرفت مهم و دستاوردهای مهم است.

مقام معظم رهبری در صحبت های اخیر خود می گویند که به بحث ناتوی فرهنگی اشاره کرده اند. سوالی که به ذهن ما رسد این است که آیا ناتوی فرهنگی

آشاره: دبیر علمی همایش ملی سند چشم انداز معتقد است مدیریت بر مبنای چشم انداز از آخرین شیوه های شناخته شده مد پرتی است که برای همه مردم و مسئولان افق های کاری مشخصی را تدوین می کند.

حجت الاسلام والمسلمین حسن علی اکبری با تأکید بر این که با وجود سند چشم انداز، اختلاف سلیقه ها در اداره کشور به حداقل خود می رسد، گفت: اختلاف دیدگاه های که در کشور وجود داشته خود را بر برنامه های توسعه هم نشان داده است و ما برای مثال در برنامه دوم یا برنامه سوم شاهد یک ناهمگونی هایی هستیم.

وی در این گفت و گو با اشاره به عبارت مقام معظم رهبری در خصوص ناتوی فرهنگی در تبیین این عبارت خاطر نشان کرد: دلیل تعیین مقام معظم رهبری به ناتوی فرهنگی این است که دشمن در جهت اهداف فرهنگی فشارهای خود را بیش از گذشته افزایش داده است. در این مسیر سازمان های بین المللی کرده و تمام توانش را برای مقابله با فرهنگ، از رشن ها و تمدن تجدید حیات شده اسلامی به کار گرفته است. وی معتقد است دشمن برای مقابله با پدیده تمدن تجدید حیات شده اسلامی تمام توان بین المللی خود را به کار برده و برنامه ریزی بین المللی کرده است و دلیل اینکه تغییر به ناتوی فرهنگی شده این است.

تکته است.

مقام کامل گفت و گووی فارس با دبیر علمی همایش ملی سند چشم انداز به شرح زیر است:

حدود دو سال از سند چشم انداز می گذرد چه تفاوتی است بین ایرانی که سند چشم انداز دارد با ایرانی که سند چشم انداز ندارد؟

به نام خدا... مشگرم به موضوعی که مورد توجه مقام معظم رهبری است و در صورتی که حرکت نظام است برداختید و با وجود بی توجهی و غفلتی که در این سند شده شما به آن توجه کرده اید و به عنوان یادآوری در مقدمه این موضوع را پیگیری می کنید.

این طور نیست که کشور سند چشم انداز نداشته است. اصولاً مدیریت بر اساس چشم انداز که در همه دولت اخیر در دست بیوسنتس به آن توجه شده و در دیبایت مدیریت بیوسنتس مدیریت در سازمانها مطرح شده، به نوعی در کلان حرکت کشور ما وجود داشته است. دشمن در مباحث مربوط به چشم انداز در واقع از کارگردهای رهبری است. چشم انداز که قبلاً به عنوان بیوسنتس ترجمه می کردند. بیعت رهبر در یک جمعیت ترس زده بیرون خود یک هدفی را ترسیم می کند، یک دورنمای را برای بیروانش چنان ترسیم می کند که آنها را اقناع می کند. اما به دلیل به آن سمت برسیم و این هدف همگانی ماست. لذا تمام نیروها و بیروانش را به آن سمت بسیج می کند و در واقع باید ایجاد چشم انداز در بین بیروانش تا این را معلوم به آن هدف می توان.

بنابراین حضرت امام (رضوان الله تعالی علیه) قبل از پیروزی انقلاب عملاً چشم انداز را پیروزی در تسلط و نفوذ و پیروزی انقلاب اسلامی را چنان زیبا ترسیم کردند که ملامت چشم انداز همه متقلان و بیرون و بافردان ایشان شد و بعد هم محقق شد. شما مردم بعد از پیروزی انقلاب بیعت خود دفاع مقدس و تثبیت نظام و تکامل گذشتگان دشمنان مطرح می آید چشم انداز می که توسط امام برای همه ترسیم شد و این چشم انداز هم محقق شد. در گام سوم پس از جنگ جهانی ایجاد بر چشم انداز سازندگی و پیشرفت و توسعه و آبادانی کشور و